

از خودبیبگانگی مشکلی است که عده‌ای از دانش‌آموزان در طی تحصیل دچار آن می‌شوند. دانش‌آموزان از خودبیبگانگی عموماً تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که دچار از خودبیبگانگی اجتماعی بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز فاقد توانایی هستند. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، محیط زندگی و نیازهای روان‌شناختی اساسی دانش‌آموزان بر از خودبیبگانگی آنان تأثیر می‌گذارد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه فرهنگ مدرسه با از خودبیبگانگی تحصیلی با توجه به نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی اساسی است. بدین منظور، ۲۸۹ نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قم با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه‌های از خودبیبگانگی تحصیلی، فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که در ارتباط فرهنگ مدرسه با از خودبیبگانگی تحصیلی، نیازهای روان‌شناختی اساسی نقش واسطه‌ای دارد. نیازهای روان‌شناختی اساسی نیز اثر منفی و معنی‌داری بر از خودبیبگانگی تحصیلی دارد. اثر فرهنگ مدرسه بر نیازهای روان‌شناختی اساسی نیز، مثبت و معنی‌دار است. به‌طور کلی مدل آزمون از برازش مناسبی برخوردار بوده و ۶۰ درصد از تغییرات از خودبیبگانگی تحصیلی را تبیین نمود.

■ واژگان کلیدی:

از خودبیبگانگی تحصیلی، نیازهای روان‌شناختی اساسی، فرهنگ مدرسه، نظریه خودتعیین‌گری

فرهنگ مدرسه

واز خودبیبگانگی تحصیلی

نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی اساسی

حسن فلاوندی

استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه
galavandi@gmail.com

جواد امانی ساری‌بگلو

دانشجوی دوره دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز
mj.amani@gmail.com

محمدتقی غلامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی
gholamitagli@yahoo.com

پروا اکبری سوره

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت
Parva_akbari62@yahoo.com

مقدمه

در نظام آموزش و پرورش، دانش‌آموزان مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده آن نظام محسوب می‌شوند و تمامی برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها و تدارک امکانات در آموزش و پرورش به دانش‌آموزان منتهی می‌شود، چرا که آماده کردن دانش‌آموزان و ایجاد صلاحیت‌های لازم در آنها برای ورود به اجتماعی که خود سازنده آن هستند، هدف نهایی آموزش و پرورش است و هر چقدر به مسائل و مشکلات دانش‌آموزان توجه بیشتر شود ساختار آینده اجتماع از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود (نادری‌بلداجی، ۱۳۸۱).

از خودبیگانگی^۱ یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که عده‌ای از دانش‌آموزان در طی تحصیل دچار آن می‌شوند. این بحران به تجربه انزوا از یک گروه یا فعالیتی گفته می‌شود که انتظار می‌رود فرد در حالت عادی با آن گروه احساس همبستگی نموده یا با آن فعالیت درگیر شود (مان^۲، ۲۰۰۱) و خود را در قالب رفتارهای مخربی از قبیل عضویت در گروه‌های خلافکار، خشونت، خراب‌کاری یا ولگردی^۳، غیبت از مدرسه و مدرسه‌گریزی و یا سایر رفتارهای منحرف نشان می‌دهد (تراستی و دولی - دکی^۴، ۱۹۹۳). به‌علت اینکه دانش‌آموزان بخش اعظم زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند، این سازمان در آماده‌سازی آنان برای زندگی اجتماعی و شغلی دارد. با وجود این، دانش‌آموزان زیادی قبل از اینکه به‌طور کامل برای زندگی اجتماعی و شغلی آماده شوند، به‌علت بیگانگی از تحصیل از مدرسه فراری شده و ترک تحصیل می‌کنند. در واقع از خودبیگانگی باعث ایجاد احساس عدم دل‌بستگی به مدرسه به‌عنوان سازمانی برای تعلیم و تربیت و عدم دستیابی به مدارج تحصیلی بالاتر می‌شود (فری^۵ و دیگران، ۲۰۰۹). علاوه بر آن، دانش‌آموزان از خودبیگانگی عموماً تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که دچار از خودبیگانگی اجتماعی بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی نیز فاقد توانایی هستند (براون^۶ و دیگران، ۲۰۰۳).

مطالعه علمی از خودبیگانگی با کار سیمین^۷ (۱۹۵۹) آغاز شد. وی از خودبیگانگی را به‌صورت وجود ناهمخوانی بین انتظارات شخصی و میزان پاداش کسب‌شده در جامعه

1. Alienation
2. Mann
3. Vandalism
4. Trusty & Dooley-Dickey
5. Frey
6. Brown
7. Seeman

مدرن تعریف می‌کند و آن را به شش بعد تقسیم می‌کند. این ابعاد شامل انزوای اجتماعی^۱، از خود بیگانگی فرهنگی^۲، انزوا از خود^۳، ناتوانی^۴، احساس بی‌معنایی^۵ و بی‌هنجاری^۶ می‌باشند. با این وجود، پژوهشگران علوم اجتماعی نتوانستند وجود این شش بعد را اعتباریابی کنند. در ادامه این پژوهش‌ها دین^۷ (۱۹۶۱) براساس کار سیمن (۱۹۵۹)، به این نتیجه رسید که از خود بیگانگی از سه بعد تشکیل یافته است: انزوای اجتماعی، ناتوانی و بی‌هنجاری.

به‌باور دین (۱۹۶۱)، انزوای اجتماعی به معنی احساس تنهایی حتی در صورت مصاحبت کردن با دیگران است. بعد دوم یعنی ناتوانی نشانگر احساس ناتوانی فرد در تغییر انتخاب‌های خود است. بی‌هنجاری نیز، به معنی عدم پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مسلط در جامعه می‌باشد. این احساسات در محیط مدرسه بر عملکرد تحصیلی، موفقیت و در نهایت بر ثبات و پایداری دانش‌آموزان در زمینه تحصیل تأثیر می‌گذارد (روایی و وایتینگ^۸، ۲۰۰۵). علاوه بر آن این ابعاد با مشکلات عمومی دانش‌آموزان و مدارس از قبیل گریز از مدرسه، وندالیسم یا خرابکاری و مشارکت کمتر در فعالیت‌های مدرسه ارتباط دارند. بنابراین از خود بیگانگی ارتباط مستقیمی با موفقیت و شکست مدارس در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دارد (براون و دیگران، ۲۰۰۳).

با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه عوامل همبسته یا زمینه‌ساز از خود بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان، می‌توان این عوامل را در دو سطح فردی و محیطی مورد بررسی قرار داد. برخی از متغیرهای فردی شامل جنسیت، سن، پیش‌زمینه اجتماعی - فرهنگی و انتظارات تحصیلی هستند. برای مثال میزان از خود بیگانگی در پسران بیشتر از دختران است (کلیل و زیول - گست^۹، ۲۰۰۸). یا با افزایش سن در دوره نوجوانی میزان انگیزش کاهش یافته و در نتیجه میزان از خود بیگانگی آنان افزایش می‌یابد (جاکوب^{۱۰} و دیگران، ۲۰۰۲). در این پژوهش‌ها محققان بیشتر به متغیرهای جمعیت‌شناختی توجه داشته‌اند

1. Social Isolation
2. Cultural Alienation
3. Self-Isolation
4. Powerlessness
5. Meaninglessness
6. Normlessness
7. Dean
8. Rovai & Wighting
9. Kalil & Ziul-Guest
10. Jacobs

و نقش عوامل انگیزشی را دست کم گرفته‌اند. این در حالی است که به‌باور هاچر و هاگنائر^۱ (۲۰۱۱) انگیزش مفهوم ارتباط‌دهنده از خودبیبگانگی با سایر متغیرها است. یکی از مهم‌ترین عوامل انگیزشی، نیازهای روان‌شناختی اساسی^۲، شامل نیاز به ارتباط^۳، شایستگی^۴ و خودمختاری^۵ هستند (ریو، ۲۰۰۹).

نیاز به ارتباط به‌تمایل فرد برای ارتباط و پیوستگی با دیگران، شایستگی به‌تمایل فرد به احساس مؤثر بودن در دستیابی به نتایج ارزشمند و مفید و خودمختاری به‌تمایل فرد به‌شروع و تنظیم رفتار توسط خودش اشاره دارد. براساس نظریه خودتعیین‌گری، این سه نیاز می‌توانند از طریق درگیر شدن فرد در انواع وسیعی از رفتارها برآورده شوند که از فردی به‌فرد دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. بدون توجه به‌نحوه برآورده شدن این نیازها، نکته مهم این است که برآورده شدن آنها برای رشد سالم و سلامت روانی تمامی افراد در همه فرهنگ‌ها ضروری است (سوربو^۷ و دیگران، ۲۰۰۹). در صورتی که نیازهای روان‌شناختی اساسی برآورده شوند احساس اعتماد به‌نفس و خودارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد، اما در صورت ممانعت و عدم برآورده شدن این نیازها، فرد درکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقادآمیز از خود خواهد داشت (فلاوندی و دیگران، ۱۳۹۱).

برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی می‌تواند بر از خودبیبگانگی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. اگر دانش‌آموز احساس کند که در محیط مدرسه و کلاس برای یادگیری درس آزادی عمل دارد و از طرف دیگر احساس شایستگی و کفایت شخصی در زمینه یادگیری کند و در محیط مدرسه رابطه سازنده‌ای با دیگران داشته باشد، این فرد به‌علت احساس خودمختاری و شایستگی بیشتر، احساس توانمندی بیشتری در زمینه تغییر محیط یادگیری خود و سازگاری بیشتر با آن خواهد نمود. از طرف دیگر داشتن ارتباط صمیمانه با معلمان و دیگر دانش‌آموزان باعث افزایش احساس پیوستگی و انسجام اجتماعی و درونی‌سازی بیشتر ارزش‌ها و هنجارهای گروه می‌شود (روایی و وایتینگ، ۲۰۰۵؛ لگولت^۸ و دیگران، ۲۰۰۶ و ریو، ۲۰۰۹).

1. Hascher & Hagenauer
2. Basic Psychological Needs
3. Relatedness
4. Competence
5. Autonomy
6. Reeve
7. Sorebo
8. Legault

بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، بافت اجتماعی بر میزان برآورده شدن نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط تأثیر می‌گذارد. نظریه خودتعیین‌گری بیان می‌کند که محیط‌های حمایت‌کننده خودمختاری یعنی، محیط‌هایی که افراد را ترغیب می‌کنند هدف‌های خود را، خودشان تعیین و از روش خودشان برای رسیدن به این اهداف استفاده کنند، موجب برآورده شدن این سه نیاز روان‌شناختی اساسی می‌شوند. در مقابل فشار و کنترل، از برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی جلوگیری می‌کند (ریو، ۲۰۰۹). صادقی و همکاران (۲۰۱۳)، محیط‌های حامی خودمختاری را به دو دسته محیط‌های مستقیم مثلاً حمایت معلم از خودمختاری دانش‌آموزان و غیرمستقیم، مانند فرهنگ مدرسه تقسیم می‌کنند. پژوهش‌های انجام‌شده نشانگر آن هستند که هم حمایت معلمان از خودمختاری دانش‌آموزان (بلک^۱ و دسی، ۲۰۰۰ و اژه‌ای و دیگران، ۱۳۸۷) و هم فرهنگ مدرسه (صادقی و دیگران، ۲۰۱۳ و فلاوندی و دیگران، ۱۳۹۱) اثر مثبتی بر برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی دانش‌آموزان و سایر افراد دارند. با توجه به محدود بودن تحقیقات در زمینه فرهنگ مدرسه، در این پژوهش اثر این متغیر بر نیازهای روان‌شناختی اساسی مورد بررسی می‌گیرید. زیرا بر اساس نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی عوامل غیرمستقیم مانند فرهنگ مدرسه و محیط تحصیل، می‌توانند اثر نیرومندی بر باورها و رفتارهای دانش‌آموزان بگذارند (برک^۲، ۱۳۹۰).

فرهنگ مدرسه نظامی از هنجارها، معانی و ارزش‌هایی است که بین اعضای یک مدرسه اعم از دانش‌آموزان، معلمان و سایر کارکنان مشترک می‌باشد (پورکی^۳، ۱۹۹۰). ویژگی اساسی فرهنگ، پایداری بسیار بالای آن است؛ به طوری که در مقابل تأثیرات وارده از محیط بسیار مقاوم بوده و به ندرت تغییر می‌یابد. این ویژگی باعث می‌شود، فرهنگ اثر نیرومند و دامنه‌دار و تا حدی یکسان بر گروه‌های مختلفی از دانش‌آموزان که به یک مدرسه وارد می‌شوند، بگذارد (هافستد^۴ و دیگران، ۲۰۱۰).

فرهنگ مدرسه در صورتی که حمایت اجتماعی از دانش‌آموزان فراهم بیآورد، می‌تواند تأثیر مثبتی بر برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی دانش‌آموزان بگذارد. الساندرو و ساد^۵ (۱۹۹۷)، فرهنگ مدرسه را از لحاظ نوع حمایت اجتماعی به سه بعد تقسیم

1. Black
2. Berk
3. Purkey
4. Hofstede
5. Alessandro & Sadeh

نموده‌اند. بعد اول، روابط دانش‌آموزان، به‌نحوه ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر اشاره می‌کند. بعد دوم، روابط دانش‌آموزان و معلمان، به کیفیت و نحوه تعاملات دانش‌آموزان با معلمان اشاره دارد. و بعد سوم فرصت‌های آموزشی^۱ که به‌چگونگی ارائه فرصت‌ها و امکانات آموزشی در مدرسه اشاره دارد.

سه بعد مطرح‌شده توسط الساندرو و ساد (۱۹۹۷)، نشانگر سه نوع حمایت اجتماعی می‌باشند که فرهنگ مدرسه می‌تواند برای دانش‌آموزان فراهم کند. بعد اول یعنی روابط دانش‌آموزان با یکدیگر را می‌توان حمایت اجتماعی همسالان نامگذاری کرد. بعد دوم یعنی روابط دانش‌آموزان با معلمان را می‌توان حمایت اجتماعی معلمان یا دیگران مهم در نظر گرفت و بعد سوم یعنی فرصت‌های آموزشی را می‌توان حمایت نظام آموزشی مدرسه نامگذاری نمود.

۱۰۴

حمایت اجتماعی‌ای که معلمان از دانش‌آموزان و دانش‌آموزان از یکدیگر و همچنین نظام آموزشی مدرسه فراهم می‌آورند، باعث می‌شود دانش‌آموزان، احساس امنیت بیشتری در محیط مدرسه داشته و با آزادی عمل بیشتری تکالیف درسی خود را انجام دهند. این امر بر نیاز به خودمختاری دانش‌آموزان اثر مثبتی می‌گذارد. از طرف دیگر وجود حمایت هم از جانب معلمان و هم دانش‌آموزان در محیط مدرسه و همچنین حمایت نظام آموزشی باعث می‌شود، دانش‌آموزان با اطمینان بیشتری تکالیف درسی را انجام دهند، زیرا حمایت اجتماعی برای کمک به آنان، هنگام بروز مشکل وجود دارد (فاگان^۲ و دیگران، ۲۰۰۴). این امر بر نیاز به‌شایستگی آنان اثر مثبت می‌گذارد. از طرف دیگر وجود حمایت اجتماعی و روابط دوستانه بین افراد برای برآورده‌شدن نیاز به‌ارتباط ضروری است (ریو، ۲۰۰۹). علاوه بر آن اگر در مدرسه کیفیت روابط معلمان با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر مناسب بوده و ساختار مدرسه نیز با علائق و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ باشد، آنها احساس از خودبیگانگی تحصیلی کمتری خواهند نمود (هاچر و هاگناتر، ۲۰۱۱). به‌طور کلی می‌توان گفت که از خودبیگانگی نتیجه ارتباط منفی بین دانش‌آموز و محیط یادگیری وی است (روایی و وایتینگ، ۲۰۰۵).

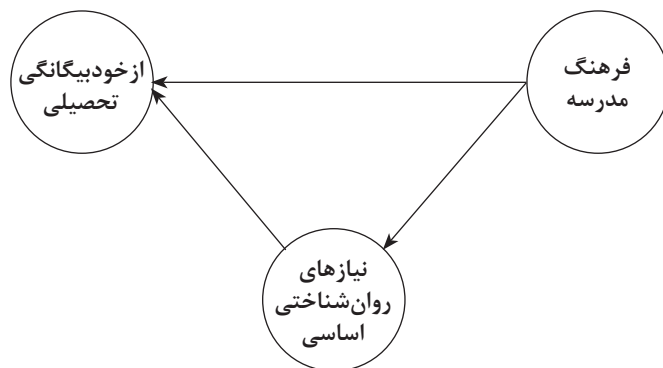
مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که نیازهای روان‌شناختی اساسی در کاهش از خودبیگانگی تحصیلی مؤثر هستند. مثلاً تحقیق روایی و وایتینگ (۲۰۰۵) نشان

1. Educational Opportunities

2. Fagan

می‌دهد که ارضاء نیاز به ارتباط، با از خودبیگانگی تحصیلی ارتباط منفی دارد. پژوهش لگولت و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان می‌دهد که ارضاء نیاز به شایستگی با این متغیر ارتباط منفی دارد. همچنین تحقیقات نشانگر وجود ارتباط منفی بین محیط‌های حامی خودمختاری مانند کلاس درس و فرهنگ مدرسه با از خودبیگانگی تحصیلی (هاچر و هاگناتر، ۲۰۱۱ و آسور^۱ و دیگران، ۲۰۰۲) و ارتباط مثبت با برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی (اژه‌ای و دیگران، ۱۳۸۷؛ فلاوندی و دیگران، ۱۳۹۱ و صادقی و دیگران، ۲۰۱۳) هستند. علی‌رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در کشورهای مختلف در مورد میزان شیوع از خودبیگانگی تحصیلی در بین دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته است، جای این مفهوم در ادبیات تعلیم و تربیت کشور ما تقریباً خالی است و هنوز هیچ پژوهشی در رابطه با آن انجام نگرفته است. لذا با توجه به اهمیت مفهوم از خودبیگانگی تحصیلی در تعلیم و تربیت هم از لحاظ نظری و هم کاربردی و آسیب‌های فراوانی که این امر بر نظام آموزشی و خود دانش‌آموزان وارد می‌کند، لازم است به عوامل زمینه‌ساز آن پرداخته شود. بنابراین پژوهش حاضر، با مینا قرار دادن نظریه خودتعیین‌گری به‌عنوان چارچوب نظری سعی در تبیین رابطه فرهنگ مدرسه با از خودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان، با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی اساسی دارد. در شکل ۱ الگوی نظری پژوهش نمایش داده شده است.

۱۰۵



شکل ۱: الگوی نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

۱. فرهنگ مدرسه اثر مستقیم بر ازخودبیگانگی تحصیلی دارد.
۲. فرهنگ مدرسه اثر مستقیم بر برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی دارد.
۳. نیازهای روان‌شناختی اساسی اثر مستقیم بر ازخودبیگانگی تحصیلی دارد.
۴. نیازهای روان‌شناختی اساسی نقش واسطه‌ای در ارتباط بین فرهنگ مدرسه و ازخودبیگانگی تحصیلی دارد.

روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی با استفاده از روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ شهرستان قم بودند. تعداد کل این دانش‌آموزان ۱۵۱۰۷ نفر (۸۰۱۶ پسر و ۷۰۹۱ دختر) می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با توجه به اینکه تعداد ۱۱ عدد از این پرسشنامه‌ها ناقص بودند در تحلیل نهایی ۲۸۹ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. ۱۲۶ نفر از اعضای نمونه دختر و ۱۴۱ نفر پسر بودند و ۲۲ نفر نیز جنسیت خود را مشخص نکرده بودند.

ابزارهای اندازه‌گیری

ازخودبیگانگی تحصیلی: برای اندازه این متغیر از پرسشنامه ازخودبیگانگی تحصیلی دیلون و گروات^۲ (۱۹۷۶) استفاده شد. این پرسشنامه از ۱۷ گویه تشکیل شده است که سه بعد احساس بی‌هنجاری (۶ گویه)، احساس ناتوانی (۶ گویه) و احساس انزوا (۵ گویه) را می‌سنجند. گویه‌ها براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً غلط «۱» تا کاملاً درست «۵» تنظیم شده‌اند. ضریب قابلیت اعتماد این مقیاس در پژوهش روایی و وایتینگ (۲۰۰۵)، با استفاده از آلفای کرونباخ، به‌ترتیب برای کل مقیاس ۰/۷۷، احساس انزوا ۰/۷۰، ناتوانی ۰/۷۱ و بی‌هنجاری ۰/۶۹ به‌دست آمد. در این مطالعه نیز ضریب آلفای کرونباخ به‌ترتیب برای کل مقیاس ۰/۸۶، احساس انزوا ۰/۸۱، ناتوانی ۰/۸۱ و بی‌هنجاری ۰/۷۷

1. Structural Equation Modeling
2. Dillon & Groat

به دست آمد. که نشانگر پایایی مناسب ابزار می باشد. برای بررسی روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص های برازش $GFI=0/89$ ، $AGFI=0/85$ ، $CFI=0/94$ ، $RMSEA=0/07$ نشانگر برازش مناسب این پرسشنامه است.

نیازهای روان شناختی اساسی: برای اندازه گیری این متغیر از مقیاس نیازهای روان شناختی اساسی لاگواردیا^۱ و همکاران (۲۰۰۰) استفاده شد. این مقیاس از ۲۱ گویه تشکیل شده است که سه نیاز روان شناختی خودمختاری (۷ گویه)، شایستگی (۶ گویه) و ارتباط (۸ گویه) را می سنجدند. گویه ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً غلط «۱» تا کاملاً درست «۵» تنظیم شده اند. ضریب قابلیت اعتماد این مقیاس در پژوهش دسی و همکاران (۲۰۰۱)، با استفاده از آلفای کرونباخ، $0/83$ ، $0/77$ ، $0/79$ و $0/86$ و کل مقیاس $0/85$ به دست آمد که نشانگر پایایی مناسب ابزار می باشد. برای بررسی روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص های برازش $GFI=0/88$ ، $AGFI=0/85$ ، $CFI=0/94$ ، $RMSEA=0/07$ نشانگر برازش مناسب این پرسشنامه است.

فرهنگ مدرسه: برای سنجش این متغیر از پرسشنامه فرهنگ مدرسه (الساندرو و ساد، ۱۹۹۷) استفاده شد. این مقیاس از ۱۸ گویه تشکیل شده است که چهار بعد روابط دانش آموزان (۴ گویه)، روابط دانش آموزان و معلمان (۶ گویه) و فرصت های آموزشی (۸ گویه) را می سنجدند. گویه ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً مخالفم «۱» تا کاملاً موافقم «۵» تنظیم شده است. الساندرو و ساد (۱۹۹۷) ضریب پایایی این مقیاس را به ترتیب برای روابط دانش آموزان $0/80$ ، روابط دانش آموزان و معلمان $0/82$ و فرصت های آموزشی $0/85$ گزارش نموده اند. در تحقیق حاضر نیز، ضریب آلفا برای بعد روابط دانش آموزان $0/79$ ، روابط دانش آموزان و معلمان $0/78$ ، فرصت های آموزشی $0/86$ و کل مقیاس $0/89$ به دست آمد. برای بررسی روایی کل مؤلفه های این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که شاخص های برازش $GFI=0/85$ ، $AGFI=0/82$ ، $CFI=0/96$ ، $RMSEA=0/07$ نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است.

۱۰۷

یافته ها

قبل از پرداختن به آزمون الگوی ساختاری یا فرضیه های تحقیق، در جدول ۱ شاخص های

توصیفی متغیرها جهت بررسی پراکندگی مناسب و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
ازخودبیگانگی تحصیلی	۲/۷۹	۰/۷۹	۰/۳۷	-۰/۱۱
نیازهای روان‌شناختی اساسی	۳/۴۸	۰/۶۲	-۰/۱۰	-۰/۰۶
فرهنگ مدرسه	۳/۲۴	۰/۷۹	-۰/۱۱	۰/۰۸

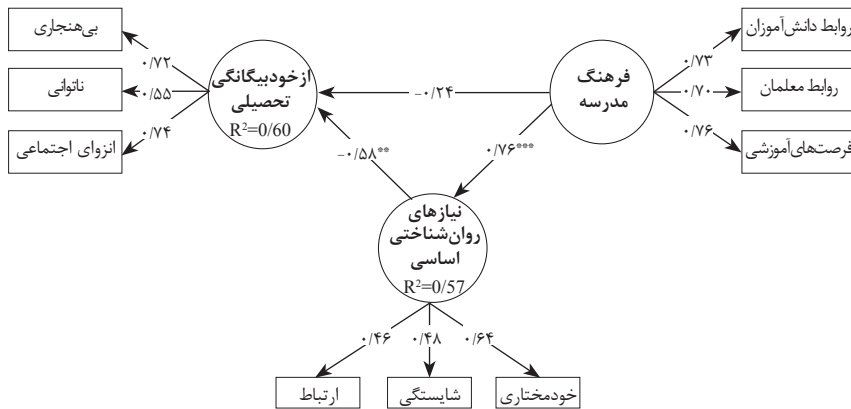
با توجه به جدول ۱ مقادیر چولگی و کشیدگی، نشانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشند. شاخص انحراف استاندارد برای تمامی متغیر نشان می‌دهد که نمرات فاصله بسیار کمی از میانگین دارند. در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق گزارش شده است.

۱۰۸

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	۱	۲	۳
۱	فرهنگ مدرسه	۱		
۲	نیازهای روان‌شناختی اساسی	۰/۴۷**	۱	
۳	ازخودبیگانگی تحصیلی	-۰/۵۲**	-۰/۴۶**	۱
** $p < 0.01$				

با توجه به جدول ۲ رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی مثبت (۰/۴۷) و در سطح ۰/۰۱ معنی‌داری می‌باشد. رابطه فرهنگ مدرسه با ازخودبیگانگی تحصیلی منفی (-۰/۵۲) و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. رابطه نیازهای روان‌شناختی اساسی نیز با ازخودبیگانگی تحصیلی منفی (-۰/۴۶) و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. برای آزمون الگوی نظری پژوهش و برازش آن با داده‌های گردآوری‌شده، از روش بیشینه احتمال استفاده شد. همچنین از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸۰ برای آزمون الگوی نظری و فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. در شکل ۲ الگوی آزمون‌شده پژوهش حاضر ارائه شده است. در این پژوهش متغیر فرهنگ مدرسه، سازه برون‌زا و متغیرهای نیازهای روان‌شناختی اساسی و ازخودبیگانگی نیز سازه‌های درون‌زای مدل بودند.



شکل ۲: الگوی آزمون شده پژوهش

با توجه به شکل ۲، اثر مستقیم فرهنگ مدرسه بر نیازهای روان‌شناختی اساسی مثبت و در سطح $0/001$ معنی‌دار می‌باشد. اثر نیازهای روان‌شناختی اساسی بر از خودبیگانگی تحصیلی $(-0/58)$ منفی و در سطح $0/01$ معنی‌دار می‌باشد. همچنین اثر فرهنگ مدرسه بر از خودبیگانگی شغلی $(-0/24)$ معنی‌دار نمی‌باشد. در جدول ۳ اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها گزارش شده‌اند.

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی از خودبیگانگی تحصیلی از				0/60
فرهنگ مدرسه	-0/24	-0/44**	-0/68**	
نیازهای روان‌شناختی اساسی	-0/58**	-	-0/58**	
به روی نیازهای روان‌شناختی اساسی از				0/57
فرهنگ مدرسه	0/76***	-	0/76***	

با توجه به جدول ۳، اثر مستقیم فرهنگ مدرسه بر از خودبیگانگی تحصیلی معنی‌دار نیست. اما اثر غیرمستقیم این متغیر $(-0/44)$ منفی و در سطح $0/01$ معنی‌دار می‌باشد. این اثر از طریق نیازهای روان‌شناختی اساسی برقرار می‌باشد. با توجه به این یافته می‌توان گفت که نیازهای روان‌شناختی اساسی، نقش واسطه‌ای در ارتباط بین فرهنگ مدرسه

و از خودبستگی تحصیلی دارد. نتایج جدول ۳ نیز نشان می‌دهد که فرهنگ مدرسه و نیازهای روان‌شناختی اساسی، ۶۰ درصد از تغییرات از خودبستگی تحصیلی را تبیین می‌کند و فرهنگ مدرسه نیز به تنهایی ۵۷ درصد از تغییرات نیازهای روان‌شناختی اساسی را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به جدول ۳، فرضیه یک تحقیق یعنی اثر مستقیم فرهنگ مدرسه بر از خودبستگی تحصیلی تأیید نمی‌شود. فرضیه دو تحقیق، یعنی اثر مستقیم فرهنگ مدرسه بر نیازهای روان‌شناختی اساسی تأیید می‌شود. فرضیه سوم نیز یعنی اثر نیازهای روان‌شناختی اساسی بر از خودبستگی تحصیلی تأیید می‌شود و در نهایت فرضیه چهارم پژوهش یعنی نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی اساسی در ارتباط فرهنگ مدرسه با از خودبستگی تحصیلی تأیید می‌شود.

برای بررسی میزان برازش مدل آزمون شده از شاخص‌های معرفی شده توسط گیفن^۱ و دیگران، (۲۰۰۰) استفاده شد. شاخص $X^2/d.f$ که مقادیر کمتر از ۳ قابل پذیرش هستند، شاخص نیکویی برازش^۲، شاخص برازش تطبیقی^۳ که مقادیر بیشتر از ۰/۹ نشانگر برازش مناسب الگو هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^۴ که مقادیر بیشتر از ۰/۸ قابل قبول هستند، شاخص برازش ایجاز^۵ که مقادیر بیشتر از ۰/۶ نشانگر برازش مناسب الگو هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۶ که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگو هستند. در جدول ۴ شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده گزارش شده‌اند که با توجه به معیارهایی که گیفن و همکاران (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند، الگوی آزمون شده برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد.

جدول ۴: شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده پژوهش

$X^2/d.f$	شاخص نیکویی برازش	شاخص برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته	شاخص برازش ایجاز	مجذور میانگین مربعات خطای تقریب
۲/۸۸	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۶۱	۰/۰۸

1. Gefen
2. GFI: Goodness of Fit Index
3. CFI: Comparative Fit Index
4. AGFI: Adjusted Goodness of Fit Index
5. PNFI: Parsimony Fit Index
6. RMSEA: Root Mean Square Error of Approximation

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی و از خود بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان به روش الگویابی معادلات ساختاری بود. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌های گردآوری شده برازش مناسبی دارد و می‌تواند ۵۷ درصد از تغییرات برآورده‌شده نیازهای روان‌شناختی اساسی و همچنین ۶۰ درصد از واریانس از خود بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین کند. کافی بودن میزان واریانس تبیین‌شده یکی از مهم‌ترین معیارها در مورد تصمیم‌گیری درباره مناسب بودن الگوی تدوین‌شده می‌باشد. میزان واریانس تبیین‌شده ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ در مدل‌های آزمون‌شده به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه می‌باشد. اگر در مدلی متغیر ملاک را یک یا دو متغیر پیش‌بین، تبیین‌کنند، واریانس تبیین‌شده ۰/۳۳ قابل قبول است. اما اگر متغیرهای پیش‌بین بیش از دو متغیر باشند، مقدار واریانس تبیین‌شده باید حداقل در سطح قابل توجه ۰/۶۷ باشد (سیدعباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱). با توجه به این معیارها می‌توان گفت که الگوی تدوین‌شده تحقیق به‌طور متوسط و قابل قبولی قادر به پیش‌بینی تغییرات از خود بیگانگی تحصیلی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که نیازهای روان‌شناختی اساسی اثر منفی و معنی‌داری بر از خود بیگانگی تحصیلی دارند. یعنی هر چه دانش‌آموزان برآورده‌شدن سه نیاز اساسی روان‌شناختی خود را (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) در محیط مدرسه کمتر تجربه کنند، احساس از خود بیگانگی تحصیلی بیشتری خواهند نمود. این از خود بیگانگی، به‌صورت احساس ناتوانی و عدم تأثیرگذاری بر محیط، احساس بروز تضاد بین ارزش‌های خود و مدرسه، یعنی بی‌هنجاری و احساس اینکه از اعضای مدرسه به‌دور افتاده‌اند یعنی انزوای اجتماعی ظاهر می‌شود. همان‌طور که ریو (۲۰۰۹) اشاره می‌کند، برآورده‌شدن این سه نیاز روان‌شناختی برای سلامت روانی بسیار ضروری هستند. احساس ناتوانی و درماندگی در تأثیرگذاری بر محیط، ایجاد رابطه با دیگران و درونی‌ساختن ارزش‌های جامعه، سلامت روانی فرد را تهدید می‌کند و علاوه بر افزایش احتمال ترک تحصیل دانش‌آموزان، باعث افزایش احتمال ابتلا به افسردگی و دیگر اختلالات روانی می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات روایی و وایتینگ (۲۰۰۵) و لگولت و همکاران (۲۰۰۶) همسو می‌باشد که به ترتیب نیاز به ارتباط و شایستگی را بررسی نموده بودند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که فرهنگ مدرسه اثر مثبت و معنی‌داری بر

برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات قلاوندی و همکاران (۱۳۹۱) و صادقی و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. براساس نظریه خودتعیین‌گری، برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی تحت تأثیر محیط زندگی فرد و همچنین ویژگی‌های شخصیتی قرار دارد (ریو، ۲۰۰۹). فرهنگ موجود در مدارس، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این نیازها می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان و نحوه رابطه دانش‌آموزان با یکدیگر و دانش‌آموزان با معلمان و همچنین حمایت آموزشی در مدرسه اثر معنی‌داری بر برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط دارد. این یافته نشان می‌دهد کیفیت و کمیت حمایتی که همسالان، معلمان یا دیگران و ساختار آموزشی مدرسه از دانش‌آموز در مدرسه می‌کنند، اثر نیرومندی بر نیازهای روان‌شناختی او دارد. وجود انواع مختلف حمایت اجتماعی در مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموز ارتباط دوستانه‌ای با دیگران برقرار نموده و نیاز خود به ارتباط را برآورده سازد. علاوه بر آن این حمایت باعث می‌شود که دانش‌آموز با اطمینان بیشتری نحوه یادگیری خود را انتخاب کند و این امر بر برآورده شدن نیاز او به خودمختاری اثر مثبتی می‌گذارد همچنین احساس آزادی در انتخاب فعالیت‌ها براساس سطح توانایی خود و احساس اینکه در مدرسه مطالب مورد علاقه‌اش را یاد می‌گیرد، باعث می‌شود که او احساس شایستگی بیشتری کند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که فرهنگ مدرسه اثر مستقیمی بر ازخودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان ندارد، اما اثر غیرمستقیم آن از طریق نیازهای روان‌شناختی اساسی، منفی و معنی‌دار می‌باشد. این یافته با نتایج تحقیقات هاچر و هاگناتر (۲۰۱۱) و آسور و همکاران (۲۰۰۲) ناهمسو می‌باشد. همان‌طور که در مقدمه بیان گردید، مفهوم مرتبط‌کننده عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر ازخودبیگانگی تحصیلی، انگیزش می‌باشد (هاچر و هاگناتر، ۲۰۱۱). بنابراین فرهنگ به‌عنوان یکی از عوامل غیرمستقیم که براساس نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی از رفتار فرد فاصله زیادی دارد، بر روی انگیزش فرد تأثیر گذاشته و از آن طریق باعث ازخودبیگانگی می‌شود. این یافته با اساس نظری نظریه خودتعیین‌گری همسو می‌باشد که بیان می‌کند، محیط‌های حامی خودمختاری به‌صورت غیرمستقیم از طریق برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی بر عملکرد، هیجان‌ها و باورهای فرد تأثیر می‌گذارند (دسی و دیگران، ۲۰۰۱).

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش بر وجود حمایت اجتماعی در محیط مدرسه و تأثیر مثبت

آن بر نیازهای دانش‌آموزان تأکید می‌کنند. این یافته‌ها از ساختار نظریه خودتعیین‌گری حمایت می‌کنند و نشان می‌دهند وجود حمایت در محیط مدرسه علاوه بر محیط‌های کوچک‌تر مانند کلاس، می‌تواند بر نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان و از آن طریق بر بیگانگی دانش‌آموزان از امر تحصیل اثر نیرومندی داشته باشد.

همان‌طور که بیان گردید، متخصصان، فرهنگ را جزء سازه‌های نسبتاً پایدار محیط در نظر می‌گیرند که در مقابل تغییرات تاحدی مقاوم می‌باشد. بنابراین برای کاربردی نمودن نتایج تحقیق، باید توجه ویژه‌ای به نقش مدیران مدارس داشته باشیم. با توجه به تأثیر نیرومند فرهنگ بر انگیزش دانش‌آموزان در مدرسه، لازم است مدیران به ارزیابی فرهنگ موجود در مدرسه بپردازند. اگر فرهنگ مدرسه بر همکاری و همیاری بین دانش‌آموزان و معلمان تأکید دارد. لازم است مدیران جهت حفظ و تقویت این نوع فرهنگ اقدام نمایند. این اقدامات می‌تواند شامل تقویت همکاری بین دانش‌آموزان، تأکید کمتر بر رقابت و همچنین ایجاد فضایی برای اظهار نظرات سازنده توسط معلمان و دانش‌آموزان باشد. در صورتی که فرهنگ مدرسه تأکید کمتری بر همیاری و همکاری داشته باشد، لازم است مدیران علاوه بر انجام اقدامات فوق، سعی در ایجاد و تقویت اعتماد بین خود و سایر معلمان و دانش‌آموزان نمایند. در واقع اعتماد حس پذیرفته‌شدن به فرد به‌عنوان عضوی سازنده در سازمان می‌دهد. این امر نیز علاوه بر ایجاد هیجان‌های مثبت نسبت به سازمان، باعث می‌شود فرد با سازمان همکاری خوب و صمیمانه داشته باشد. برای ایجاد اعتماد می‌توان به‌صورت غیرمستقیم، مثلاً از طریق صندوق‌های نظرخواهی، از دانش‌آموزان و معلمان در مورد نحوه انجام کارها نظرخواهی نمود. فرم نظرخواهی می‌تواند به این صورت باشد که در آن از فرد سؤال شود که آیا مایل است نظر او در جلسه عمومی مدرسه مطرح شود؟ در صورت موافقت فرد، در جلسه عمومی که با حضور تمامی دانش‌آموزان و معلمان برگزار می‌گردد، در مورد آن پیشنهادها تصمیم‌گیری خواهد شد. این امر باعث می‌شود معلمان و دانش‌آموزان احساس انسجام بیشتری نسبت به مدرسه پیدا کنند و در نتیجه حس همکاری و حمایت بین آنها تقویت شود. افزایش حس انسجام باعث می‌شود که دانش‌آموزان ارزش‌ها و هنجارهای مدرسه را به‌خوبی درونی‌سازی کنند و این امر نیز باعث کاهش احساس انزوا و بی‌هنجاری دانش‌آموزان می‌شود. از طرف دیگر افزایش حمایت باعث می‌شود احساس توانمندی دانش‌آموزان برای موفقیت در تحصیل افزایش یابد.

پژوهش حاضر به بررسی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی و

از خودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. پیشنهاد می‌شود برای افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این تحقیقات با گروه‌های دیگر مانند معلمان نیز تکرار شود. بررسی رابطه فرهنگ سازمانی با برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی و از خودبیگانگی شغلی معلمان یک نمونه از این تحقیقات می‌تواند باشد. همچنین با توجه به نظر هاچر و هاگنائر (۲۰۱۱)، متغیرهای مختلف از طریق انگیزش با از خودبیگانگی ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی رابطه از خودبیگانگی با انواع انگیزش مطرح شده در نظریه خودتعیین‌گری بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش‌های مداخله‌ای به بررسی تأثیر روش‌هایی که حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند، مانند روش‌های تدریس مشارکتی بر نیازهای روان‌شناختی و از خودبیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته شود. نمونه تحقیق حاضر، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قم بودند. بنابراین تعمیم یافته‌ها به دانش‌آموزان دوره‌ها یا شهرهای دیگر با محدودیت مواجه است و لازم است تحقیقات در زمینه تعمیم‌پذیری یافته‌ها تکرار گردد.

منابع

۱. ازه‌ای، جواد؛ هیمن خضری‌آذر؛ محسن بابایی و جواد امانی. (۱۳۸۷). الگوی ساختاری روابط بین حمایت از خودمختاری ادراک‌شده معلم، نیازهای روان‌شناختی اساسی، انگیزش درونی و تلاش. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*. ۲ (۴). ۴۷-۵۶.
۲. برک، لورا. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی رشد*. جلد اول. یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران.
۳. سیدعباس‌زاده، میرمحمد؛ جواد امانی ساری‌بگلو؛ هیمن خضری‌آذر و قاسم پاشوی. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری*. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۴. قلاوندی، حسن؛ جواد امانی ساری‌بگلو و محسن بابایی سنگلجی. (۱۳۹۱). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی در میان دانش‌آموزان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. دوره ۸، شماره ۴.
۵. نادری‌بلداجی، فرود. (۱۳۸۱). *عوامل فرهنگی - اجتماعی و آموزشی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی عشایری شهرستان لردگان و اردل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

6. Alessandro, A. & D. Sath. (1997). The Dimensions and Measurement of School Culture: Understanding School Culture as the Basis for School Reform. *International Journal of Educational Research*. 27. 553-569.
7. Assor, A.; H. Kaplan, & G. Roth. (2002). Choice Is Good but Relevance Is Excellent: Autonomy Affecting Teacher Behaviors that Predict Students' Engagement in Learning. *British Journal of Educational Psychology*. 72. 261-278.
8. Black, A. E. & E. L. Deci. (2000). The Effects of Instructors' Autonomy Support and Students' Autonomous Motivation on Learning Organic Chemistry: A Self-Determination Theory Perspective. *Science Education*. 84. 740-756.
9. Brown, M. N.; K. Higgins & K. Paulsen. (2003). Adolescent Alienation: What Is It and What Can Educators Do About It?. *Intervention in School and Clinic*. 39 (1). 3-9.
10. Dean, D. G. (1961). Alienation: Its Meaning and Measurement. *American Sociological Review*. 26 (4). 753-758.
11. Deci, E. L.; R. M. Ryan; M. Gagne; D. R. Leone; J. Usunov & B. P. Kornazheva. (2001). Need Satisfaction, Motivation, and Well-being in the Work Organizations of a Former Eastern Bloc Country: A Cross-cultural Study of Self-determination. *Society for Personality and Social Psychology*. 27. 930-942.
12. Dillon, V. & J. A. Grout. (1976). Schools and Alienation. *The Elementary School Journal*. 76 (8). 481-489.
13. Fagan, M. H.; S. Neill. & B. R. Wooldridge. (2003). An Empirical Investigation into the Relationship between Computer Self-efficacy, Anxiety, Experience, Support and Usage. *The Journal of Computer Information Systems*. 44 (2). 95-104.
14. Frey, A.; V. Ruchkin; A. Martin. & M. Schwab-Stone. (2009). Adolescents in Transition: School and Family Characteristics in the Development of Violent Behaviors Entering High School. *Child Psychiatry and Human Development*. 40. 1-13.

15. Gefen, D.; D. W. Straub. & M. C. Boudreau. (2000). Structural Equation Modeling and Regression: Guidelines for Research and Practice. *Communications of the Association for Information Systems*. 3 (1).
16. Hascher, T. & G. Hagenauer. (2010). Alienation from School. *International Journal of Educational Research*. 49. 220-232.
17. Hofstede, G.; G. J. Hofstede. & M. Minkov. (2010). *Culture and Organization: Software of the Mind*. (3ed). New York: McGraw-Hill.
18. Jacobs, J. E.; S. Lanza; D. W. Osgood; J. S. Eccles. & E. Wigfield. (2002). Changes in Children's Self-competence and Values: Gender and Domain Differences Across Grades One Through Twelve. *Child Development*. 73. 509-527.
19. Kalil, A. & K. M. Ziol-Guest. (2008). Teacher Support, School Goal Structures, and Teenage Mothers' School Engagement. *Youth and Society*. 39 (4). 524-548.
20. La Guardia, J. G.; R. M. Ryan; C. E. Couchman. & E. L. Deci. (2000). Within-Person Variation in Security of Attachment: A Self-determination Theory Perspective on Attachment, Need Fulfillment, and Well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*. 79. 367-384.
21. Legault, L.; I. Green-Demers. & L. Pelletier. (2006). Why Do High School Students Lack Motivation in the Classroom? Toward an Understanding of Academic a Motivation and the Role of Social Support. *Journal of Educational Psychology*. 98 (3). 567-582.
22. Mann, S. J. (2001). Alternative Perspective on the Student Experience: Alienation and Engagement. *Studies in Higher Education*. 26. 7-13.
23. Purkey, S. C. (1990). A Cultural-change Approach to School Discipline. In O. C. Moles (Ed.), *Student Discipline Strategies: Research and Practice*. New York: State University of New York Press.
24. Reeve, J. M. (2009). *Understanding Motivation and Emotion* (5ed). New York: Wiley.
25. Rovai, A. P. & M. J. Wighting. (2005). Feelings of Alienation and Community among Higher Education Students in a Virtual Classroom. *Internet and Higher Education*. 8. 97-110.
26. Sadeghi, K.; J. Amani. & H. Mahmudi. (2013). A Structural Model of the Impact of Organizational Culture on Job Satisfaction among Secondary School Teachers. *The Asia-pacific Education Researcher*. 1-14. doi: 10. 1007/s40299-013-0074-0.
27. Seeman, M. (1959). On the Meaning of Alienation. *American Sociological Review*. 24 (6). 783-791.
28. Sorebo, O.; H. Halvari; V. F. Gulli. & R. Kristiansen. (2009). The Role of Self-determination Theory in Explaining Teachers' Motivation to Continue to Use E-learning Technology. *Computers & Education*. 53. 1177-1187.
29. Trusty, J. & K. Dooley-Dickey. (1993). Alienation from School: An Exploratory Analysis of Elementary and Middle School Students' Perceptions. *Journal of Research and Development in Education*. 26 (4). 232-242.